

انسان ابزار می‌سازد

مجید خانلری



به شمار می‌رود که از دوونیم میلیون سال تا هجده هزار سال پیش را در بر می‌گیرد. در این دوره بسیار طولانی است که تکامل فکری، جسمی، فرهنگی و فنی انسان رخ می‌دهد. در پایین‌ترین مرحله این دوره، یعنی پارینه‌سنگی زیرین (میان دوونیم میلیون سال تا یکصد هزار سال پیش)، نخستین ابزارها را گونه‌های نخستین انسان از سنگ ساختند.

در این دوره گونه انسانی استرالوپیتاکوس با دو زیرگونه روبوستوس و آفریکانوس پدیدار می‌شود.

انسان آفریکانوس با توجه به توانایی در ساخت ابزار به هوموهایلیس یا انسان ماهر معروف است. این انسان در چاد، جنوب آفریقا، تانزانیا (گاروزی و اولدوایی جرج) می‌زیسته است. ابزاری که از این نوع انسان به دست آمده نوعی تبر سنگی است. همچنین در ناحیه هدر اتیوپی نیز ابزاری از انسان ماهر به دست آمده که بنا به روش زمان‌یابی پتاسیم

هر چه نمونه‌های نخستین انسان از نظر فعالیت‌های ماهرانه از دیگر حیوانات متمایز می‌شدند مهارت آنها در ساختن و به کاربردن ابزار بیشتر می‌شد. در نوشته‌های پیشین به گونه‌های مختلف انسان از نظر قدمت و بقایایی که دانشمندان از آنها یافته‌اند اشاره کردیم. در اینجا به جنبه‌ای دیگر از زندگی انسان از زمان پیدایش در زمین می‌پردازیم که عبارت است از مهارت ابزارسازی.

از حدود دوونیم میلیون سال پیش به این سو، انسان‌های نخستین به ساختن و استفاده از ابزار مشغول شدند و بدین ترتیب وارد اعصار فرهنگی گردیدند. قدیمی‌ترین دوره‌ای که انسان ابزارساز در آن شناسایی شده به عنوان پارینه‌سنگی نام‌گذاری شده است.

پارینه‌سنگی یا پالئولیتیک به معنی سنگ قدیم است. این دوره نخستین، ابتدایی‌ترین و طولانی‌ترین مرحله زندگی انسان است



آرگون، به یک میلیون و هشتصد هزار سال قبل تعلق دارد. ابزار الدوایی جرج در تانزانیا با همین روش زمانگذاری تا دو میلیون و هشتصد هزار سال قبل قدمت داشته است. منطقه الدوایی جرج در دشت خشک و معروف سرنگتی قرار دارد. در کنار ابزار سنگی، دانشمندان بقایای استخوان‌های حیوانات را هم شناسایی کرده‌اند. ابزار انسان ماهر به این طریق ساخته می‌شد که با سنگی به سنگ دیگر می‌زدند تا تراش بخورد و شکل مورد نظر را به دست آورد. این سنگ تراش خورده لبه تیزی داشت که برای مقاصد مختلف مناسب بود. پیش از ساختن این ابزار انسان از ابزاری که شکل طبیعی آنها برای رفع نیاز مناسب بود استفاده می‌کرد. همچنین در همین دوره انسان‌ها در گروه‌های کوچک تجمع یافته و شکلی از زندگی با استقرار موقت را تجربه می‌کردند.



در همین دوره پارینه‌سنگی زیرین است که انسان راست‌قامت پدیدار می‌شود. تا پیش از این، انسان به طور کامل نمی‌توانست راست بایستد و به همین دلیل شاید تحرک مناسبی هم نداشت. انسان راست‌قامت در پی تحولات فیزیکی و جسمی انسان استرالوپیتاکوس در حدود یک و نیم میلیون سال پیش ظهور کرد که انسان جاوه و انسان پکن از مشهورترین گونه‌های انسان راست‌قامت به شمار می‌روند. مهمترین ویژگی این انسان راست‌قامت علاوه بر ساخت ابزار، استفاده از آتش بوده است. درباره کشف آتش بعداً صحبت خواهیم کرد.

انسان راست‌قامت از نظر فرهنگ ابزارسازی دو گونه ابزار معرفی کرده است: ابزار مشهور به آشولین و ابزار مشهور به لوالوزین.

بعد از دوره پارینه‌سنگی زیرین، دوره پارینه‌سنگی میانه آغاز می‌شود که از یکصد هزار سال تا چهل هزار سال پیش را در بر می‌گیرد. در این دوره است که انسان نئاندرتال ظهور می‌کند. ابزاری که این نوع انسان هوشمند می‌ساخت به نام ابزار موسترتین شناخته می‌شود و شامل تراشه‌های سنگی، رنده‌ها، قلم‌ها، مته‌ها، چاقوهای دسته‌دار و انواع تبر بوده است.

در این دوره تدفین مردگان انسانی دیده شده است و حتی همراه مردگان خود ابزار و گل آخرا (گل قرمز رنگ طبیعی) قرار می‌دادند.

برخی شواهد متعلق به این دوره پیدا شده که حاکی از وجود نوعی زبان انسانی است؛ از جمله یک دندان بزرگ ماموت با نقش‌ها و طرح‌های مختلف روی آن که بی‌تردید توسط انسان ایجاد شده است. این دندان به پنجاه هزار سال پیش تعلق دارد. آخرین مرحله از پارینه‌سنگی، را که در آن انسان نئاندرتال



از بین می‌رود پارینه‌سنگی جدید می‌گویند. در این دوره انسان هوشمند هوشمند که به آن انسان کرومانیون گفته شده جانشین انسان نئاندرتال می‌شود. مهارت ساخت تیغه‌های سنگی معروف به میکرولیت در اختیار این انسان بوده است.

بدین ترتیب مشخص است که «سنگ» پیش از هر ماده دیگر در طبیعت برای انسان در ساخت ابزار مورد توجه قرار داشته است. توجه انسان به سنگ احتمالاً باعث کشف آتش در دوره پارینه‌سنگی قدیم و بی‌گمان باعث کشف آهن در دوره میان‌سنگی شد که در نوشته‌های بعدی به آن خواهیم پرداخت.

چنان که اشاره شد انسان راست‌قامت از آتش استفاده می‌کرد. استفاده از آتش برای کوچ انسان از مناطق گرم و کم‌آب و خشک و کم‌غذا به مناطق معتدل و حتی سرد اما پرآب بسیار اهمیت داشت. همچنین انسان راست‌قامت از آتش برای پختن غذا استفاده می‌کرد که موجب تغییری مهم در رژیم غذایی او به دنبال آن تغییرات فیزیکی می‌شد. آتش، شب‌های تاریک و چرخوف را برای انسان روشن و امن می‌کرد و او را تا اندازه‌ای از اوهام و خرافاتی که به تاریکی نسبت می‌داد رها می‌نمود. حتی از آتش برای شکار هم استفاده می‌شد. اما سؤال مهم این است که انسان آتش را در چه زمان و چگونه کشف کرد؟

باستان‌شناسان و انسان‌شناسان موفق نشده‌اند تاریخ و زمان مشخصی را برای کشف، ایجاد و مهار آتش به‌دست آورند. گمان بر این است که انسان‌های نخستین هنگامی که سنگ‌ها را برای ساختن ابزار سنگی به هم می‌زدند متوجه شدند که از

برخورد برخی سنگ‌ها به هم ذرات درخشنده‌ای تولید می‌شود. به همین دلیل این سنگ‌ها برای آنها حالتی از تقدس داشت. اینکه چقدر طول کشید تا انسان این ذرات درخشنده را به آتش تبدیل کند و چگونه چنین اتفاقی افتاد اصلاً قابل توضیح نیست. اما شاید بتوان چنین تصور کرد که انسان با توجه به اینکه ابتدا در مناطق گرم و خشک آفریقا می‌زیسته و در آن جا پدیده «آتش طبیعی» وجود داشته، یعنی علوفه و درختان خشک در اثر عوامل جوی و تابش خورشید آتش می‌گرفتند، با چیزی به عنوان آتش که هم روشنایی داشته و هم گرما، آشنا بوده‌اند و بعداً با شناختن سنگ‌های آتش‌زنه به این مسیر هدایت شدند که خود هم می‌توانند آتش بر پا سازند. در هر حال، انسان با اندیشیدن در محیط زندگی خود به این کشف مهم نایل آمد. کشفی که زندگی او را در زمین متحول کرد و برایش این امکان را به ارمغان آورد تا زندگی در جاهای دیگر و متفاوت از آفریقا را تجربه کند و غذا خوردن و شکار را با روش‌های دیگری دنبال نماید و به ویژه در شب هم به انجام برخی کارها مشغول شود. در روشنایی آتش، شب‌ها انسان‌ها دور هم جمع می‌شدند و برخی مراسم و آیین‌ها را اجرا و ذهنیات خود را برای هم نقل می‌کردند. همه این تحولات باعث وسیع شدن جهان بینی انسان شد و او بیش از پیش در احوال خود و اطرافش اندیشه کرد و روابط میان انسانی هم عمیق‌تر شد. در واقع، کشف آتش آغاز تهاجم انسان به طبیعت برای مسلط شدن بر آن بود و زندگی اجتماعی انسان را نیز تحت تأثیر قرار داد.

